نقش اصلاحی قیام امام حسین علیه السلام در روند مذهبی ایران مرکزی

اصغر منتظرالقائم

بسم الله الرحمن الرحیم

نقش اصلاحی قیام امام حسین (علیه السلام) در روند مذهبی ایران مرکزی

نویسنده:

اصغر منتظرقائم

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نقش اصلاحی قیام امام حسین علیه السلام در روند مذهبی ایران مرکزی

مشخصات کتاب

نویسنده : اصغر منتظر القائم

ناشر : اصغر منتظر القائم

چکیده

حاکمیت حزب اشرافی و زورمداری اموی بر جهان اسلام به انکار رسالت نبوی توسط یزید منجر شد ولی حسین (ع) فرزند رسول الله (ص)، که حامل نور نبوت و حافظ میراث وی بود، به پا خواست و در این راه جانبازی کرد.فاجعه قتل عام کربلا امواج انقلاب امام حسین (ع) را در همه جا بویژه در حجاز و عراق و بین ایرانیان منتشر کرد. تأثیر قیام امام حسین در کوفه، قیام توابین و سپس قیام مختار را در پی داشت. مختار در قیام خود به توده محروم خصوصا موالی متکی بود که بیست تا چهل هزار نفر از موالی با وی همکاری داشتند.اقبال موالی ایرانی نسبت به خاندان پیامبر (ص) از روابط گرم و صمیمی امیرالمؤمنین علی (ع) با موالی آغاز می شد ولی بازتاب قیام امام حسین (ع) و سپس مختار همراهی و همدلی و گرایش ایرانیان را نسبت به خاندان پیامبر بیش از پیش گسترش داد و ضدیت ایرانیان با خاندان اموی را بیشتر از گذشته برانگیخت. بدین جهت هواداران اهل بیت و موالی در قیامهایی علیه امویان شرکت جستند ولی در پی سرکوبی این قیامها چون عراق را برای خود ناامن یافتند به مرکز ایران مهاجرت کردند. از جمله مهاجران عرب، اشعریان بودند که از کوفه به قم آمده در این شهر سکونت اختیار کردند و جزو حامیان راستین اهل بیت و علویان و سادات درآمدند و سرانجام رهاورد این مهاجرت، ظهور و گسترش تشیع در ایران مرکزی بود.

مقدمه

پس از رحلت رسول گرامی اسلام (ص) و تشکیل جلسه سقیفه بنی ساعده، شکل حاکمیت سیاسی امت اسلامی در خلافت تعیین شد. در طی حکومت

حزب تیم وعدی، حزب اموی به آرامی دامن خود را فراگسترد و پایه های قدرت خود را مستحکم کرد؛ زیرا معاویه در پاسخ نامه محمد بن ابوبکر که چرا تسلیم امیرالمؤمنین علی (ع) نمی شود، گفت: «پدرت راه ما را هموار کرده و پایه حکومت ما را نهاده است. اگر آنچه ما انجام می دهیم درست است، پدرت این حکومت را گرفت و ما شریکان او هستیم. اگر پدرت چنان نکرده بود ما بر خلاف پسر ابوطالب نمی رفتیم و تسلیم او می شدیم ولی دیدیم که پدر تو پیش از ما با وی چنان رفتار کرد، ما نیز از او پیروی کردم». [۱] .حاکمیت حزب اموی که سمبل نظام اشرافیت و ساختار قبیله ای، اجتماعی و فرهنگی مترفین و شیوخ برده دار و زراندوزان و لذت جویان قریش بود، کار را بدانجا کشانید که یزید چنین سرود:لعبت هاشم بالملک فلا خبر جاء و لا وحی نزل [۲] .انکار رسالت نبوی، حافظ میراث و حامل نور نبوت، حسین (ع) را بر آن داشت تا برای حفظ نهال دین به پا خیزد و ناگزیر گردید برای آبیاری این نهال، خون خود را به پای آن ریزد.فاجعه کربلا امواج انقلاب حسین (ع) را در همه جا منتشر کرد و در حجاز و عراق و بین ایرانیان تاثیر گذارد.سید امیر علی درباره حادثه کربلا و تاثیر آن بر ایرانیان چنین می نویسد، کشتار و فجایع کربلا۔ عالم اسلام را به لرزه درآورده، وحشت و اضطرابی در همه جا تولید نمود بویژه ایرانیان احساس حمیت کرده، بعدها کمک به اولاد عباس نموده، ریشه ی بنی امیه را از زمین کندند. [۳] .

قیام مختار

قتل عام نواده رسول (ص) و یارانش

و لگدمال کردن جنازه آنان زیر سم ستوران [۴] و به اسارت گرفتن خانـدان پیامبر (ص) عواطف و احساسات مـذهبی کوفیان را که از دعوت کننـدگان حسـین (ع) بودنـد، برانگیخت.موج احساس پشـیمانی در نهضت توابین به رهبری «سـلیمان بن صـرد خزاعی» متبلور گردید؛ ولی این قیام در جمادی الاولی سال شـصت و پنجم در محل «عین الورده» به خاک و خون کشیده شد. [۵] .بازگشت بقایای توابین و کشـته شدن رؤسای شیعه شهر کوفه و یاران آنها و اخبار ناگوار واقعه عین الورده، خشم و نفرت مردم کوفه را نسـبت به امویـان شـعله ور سـاخت. در این میـان مردی سیاسـی و جویـای نام و موقعیت به نام مختار از شـرایط و اوضاع و عـدم حضور بزرگان شـیعه کوفه، بهترین سود را جست. وی به تحریک حزب امویان زندانی بود. از زندان نامه ای به رفاعه بن شـداد تنها رهبر باقی مانده توابین نوشت و خود را قاتل سـتمگران و خونخواه اهل بیت و مدافع ضـعیفان معرفی کرد. وی پس از آزادی فورا به سازمانـدهی و فراهم آوردن زمینه هـای قیام خود پرداخت و نامه ای به علی بن الحسـین (ع) نوشـت که می خواهد با وی بیعت کند و قائل به امامت او شود، ولی علی بن الحسین (ع) تقاضای او را نپذیرفت. [۶] لذا مختار ناگزیر شـد دعوت خود را به نام «محمد بن حنفیه» آغاز کند و خود را امین و وزیر و برگزیده [۷] وی معرفی کرد. مختار با همکاری «ابراهیم بن مالـک اشـتر نخعی» حکومت خود را از روز چهارشـنبه ۱۲ ربیع الاول سال شـصت و شـش آغاز کرد و در مسـجد خطبه ای ایراد کرد و

گفت: پس از بیعت علی بن ابیطالب و خاندان علی (ع) بیعتی هدایت افزاتر از این نکرده اند». [۸] از این سخنان گرایش و هواداری وی نسبت به خاندان پیامبر روشن می گردد ولی رد تقاضای وی از سوی امام علی بن الحسین (ع) گواهی است که در عقیده خود پایدار نبوده است.مختار پس از هیجده ماه حکومت [۹] سرانجام در مقابل «مصعب بن زبیر» شکست خورد و کشته شد. شکست وی ناشی از مخالفت اشراف عرب کوفی، دشمنی مصعب بن زبیر با وی، نداشتن سازمان منظم و منسجم تشکیلاتی و نظامی و نداشتن هدفهای اقتصادی و اجتماعی و اصلاحی بود.شاید به کاربردن کلمه شکست برای قیام مختار نامناسب نباشد زیرا وی به یکی از هدفهای خود، که خونخواهی پیامبر بود، [۱۰] به گونه ای چشمگیر دست یافت و خاندان بنی هاشم و علی بن الحسین را چندان خوشحال کرد که آنان از عزا خارج شدند و علی بن الحسین (ع) درباره او فرمود: جزی الله المختار خیرا [۱۱] : خدا به مختار پاداش نیک بدهد.

بازتاب قیام امام حسین در بین موالی و ایرانیان

یکی از هدفهای دیگر مختار دفاع از ضعیفان بود که در این راه نیز در آغاز قیام بیست هزار نفر از «حمراء» (ایرانیان کوفه) و سپس چهل هزار نفر از موالی با وی همراهی کردند. «مختار، ایرانیان را به خود نزدیک و برای آنان مستمری تعیین کرد و ایرانیان را در مجالس خود بر اعراب برتری می داد». وی به موالی می گفت: «برای اینکه شما را بر ایشان مقدم داشته ام با من مخالفت می کنند. شما آزاده و بزرگوار هستید.» [۱۲] همچنین به آنان گفت: «شما از من هستید و من از شما». [۱۳] وی

دستور داد: اموال قاتلان امام حسین (ع) را بین موالی تقسیم کنند. [۱۴] .بزرگداشت موالی نزد مختار موجب شد ایرانیان با او همراهی کنند و اموال فراوانی از عراق و جبل و اصفهان و ری و آذربایجان برای او بفرستند. [۱۵] روابط گرم و صمیمی مختار با موالی و بالعکس، نتایجی بر جای گذاشت که بازتاب آن به همراهی و همدلی و گرایش ایرانیان با خاندان پیامبر و ضدیت و دشمنی سخت آنان با خاندان اموی منجر گردید و سرانجام در اقبال و همسویی ایرانیان و کاشته شدن بذر تشیع در ایران مؤثر واقع شد. اگر چه همدلی موالی ایرانی با خاندان پیامبر پیش از این آغاز شده بود.پس از بنیاد بصره و کوفه قشر عمده ای از مردم این دو شهر از موالی بودند. ابوموسی اشعری آسواران را به رهبری «شیرویه» با کسب اجازه از خلیفه در بصره ساکن کرد. [۱۶] .پس از شکست قادسیه ۴ هزار سرباز دیلمی به میل خود اسلام آوردند و در تسخیر جلولاء به اعراب کمک کردند و سپس با مسلمین در کوفه ساکن شدند.این موالی عموما اسیران جنگی بودند که اسلام آورده، آزاد می شدند و در شمار موالی درمی آمدند. گروهی نیز از اهل ذمه رفته رفته دین پدران خود را رها می کردند و آیین مسلمانی اختیار می کردند و جزو موالی می شدند. گروه دیگری «برای احراز حمایت اقویا و جلب پشتیبانان قوی از راه عقد موالات با افراد یا قبیله هایی از عرب، ارتباط و انتساب می یافتند و خود را از موالی یک شیخ یا یک قبیله عربی می شمردند. این گونه موالات را «ولاء حلف» یا «ولاء اصطناع» می خواندند و در

نسب به شیخ و قبیله مربوط می شدند.» [۱۷] .این نسب عربی مورد طعن و ریشخند اعراب واقع می شد و موالی را نزد عرب خوارتر می کرد. رفتار اعراب در حق موالی با تحقیر و جفا آمیخته بود. با آنان در یک صف راه نمی رفتند و بر سر یک سفره نمی نشستند. وقتی سواره بودند موالی باید پیاده راه می رفتند و در جنگ نیز پیاده شرکت داده می شدند و غالبا از عطای جنگجویان به آنان بهره ای نمی دادند و گمان می کردند موالی برای کارهای پست مثل کفشگری و دوزندگی و کشاورزی و بازرگانی و... آفریده شده اند.به رغم فعالیتهای مفید موالی، اعراب، خلفا و حکام اموی نسبت به آنان بدبین بودند و آنها را می آزردند و از هر راه ممکن بر آنها ستم روا می داشتند؛ اگر چه این گونه رفتارها و کبر و غرور اعراب، مایه خاکساری خود موالی نسبت به آنان می شد و کینه و نفرت شدیدی در دل موالی نسبت به امویان برمی انگیخت.در دوران حکومت علی (ع) قشر زیادی از این موالی مثل ایرانیان «سواد» با ایشان در تماس بودند. [۱۸] .روابط موالی با امام چنان صمیمانه بود که روز جمعه ای امام در حال خواندن خطبه بود. اشعث بن قیس به وی اعتراض کرد و گفت: این گروه سرخرویان بر ما عربان در نزدیگی به تو غلبه کردند و مقربان تو شدند. [۱۹] .همچنین روزی هنگام تقسیم بیت المال به یک زن عرب و زن عجمی مقدار مساوی عطا کرد. زن عرب اعتراض کرد. امام فرمود: «به خدا سوگند فرزندان اسماعیل را بر فرزندان اسحاق در این درآمد بیت المال برتری ندهم.» [۲۰] .سید امیر علی هندی می نویسد: «از همان

ابتدای شروع تبلیغات اسلامی، علی (ع) نهایت احترام و دوستی را نسبت به مسلمانان شدگان ایرانی ابراز داشته بود. سلمان فارسی یکی از برجسته ترین یاران پیامبر، مدتها همدم و مونس این خلیفه بود. پس از جنگ قادسیه، علی (ع) سهم خود را از غنایم به بازخرید اسیران اختصاص داد و با صوابدید خود، بارها عمر را وادار می کرد بار رعایا را سبک گرداند». [۲۱] .مسلم است این آزادشدگان، مهر و محبت شدیدی پس از آزادی خود نسبت به علی (ع) و خاندان او نشان دهند. اخبار احترام و دوستی علی (ع) به ایران می رسید و ایرانیان به مرور ایام، علاقه و صمیمیت خود را به خاندان پیامبر نشان می دادند.در دوران خلافت امیرالمؤمنین علی (ع) والیان او همچون «یزید بن قیس ارجی» و «سعد بن مسعود ثقفی» و «مخنف بن قیس» [۲۲] و... بر شهرهای ایران، بذر تشیع و هواداری از علی (ع) را در شهرها می پراکندند؛ مثلا حافظ ابوالشیخ بن حیان می نویسد: امام علی (ع) پس از فوت یزد بن قیس ارجی، مخنف بن سلیم را به جای وی به سمت والیگری اصفهان گماردند. [۲۳] .بر خلاف رفتار علی (ع) با ایرانیان، معاویه و امویان و عمال آنها که روحیه تفاخر عربی داشتند، نسبت به موالی سخت می گرفتند؛ از جمله در دوران معاویه تعداد موالی آن چنان زیاد شده بود که دستور داد عده ای از آنان را بکشند و بقیه را به کارهای سخت وادارند، ولی «احنف بن قیس» او را از این کار بازداشت. [۲۴] .برخوردهای ناروا و سخت امویان و عمال آنها در عراق و ایران با موالی همچون اعمال خشن حجاج، که

در دوران حکومت بیست ساله او بر عراق صد و بیست هزار نفر از شیعیان و موالی را کشت و هنگام مرگ او هشتاد هزار نفر در زنـدان او بودند. [۲۵] .و رفتار سـخت بعضـی از اشـراف قبایل عرب که دشـمنی و کینه سـختی نیز با خاندان پیامبر داشتند، موجب شـد تـا کینه و نفرت شدیـدی در دل موالی نسبت به امویـان به وجود آیـد. در مقابل، همـدلی و رفتار مسالمت آمیز و شایسته خاندان پیامبر (ص) با موالی، سبب شد تا موالی به سوی اینان گرایش پیدا کنند. اشتراک موضع موالی و خاندان پیامبر (ص) در مبارزه با امویان موجب همکاری بیشتر این دو گروه با یکدیگر گردید و در بسیاری از قیامها علیه امویان همچون قیام عبدالرحمن بن محمد بن اشعث علیه حجاج، موالی و شیعیان کوفه همچون «کمیل»، «سعید بن جبیر» و گروهی از تابعین در آن شرکت داشتند [۲۶] . و یـا هنگـامی که «مطرف بن مغیره» علیه حجـاج در سال ۷۷ هجری قیـام کرد به قم و کاشان آمـد و در آنجا با عمال معاویه جنگیـد و کشـته شـد. [۲۷] .همچنیـن پس از شـهادت «زیـد بـن علی» (علی) مردی از بنی اسـد به یحیی و فرزندش گفت: «خراسانیان پیروان شما هستند، نزد آنها برو.» [۲۸] .مرکز اصلی شیعیان شهر کوفه، مرکز خلافت علی (ع)، بود که بسیاری از قبایل جنوبی در آن شهر سکونت داشتند و چون اسلام خود را از علی (ع) گرفته بودند به حضرت علاقه و پیوند خاصی داشتند و به همین دلیل بود که «بسر بن ارطاه» وقتی به دیار همدان حمله کرد بسیاری از مردان همدانی

را به قتل رسانید. [۲۹] .پس از شهادت علی (ع) و صلح امام حسن (ع) با معاویه، شکنجه و آزار شیعیان توسط خلفای اموی و والیان آنها، هواداران اهل بیت از عراق و حجاز به سوی ایران مسافرت کردند و در مناطقی دور از دسترس امویان سکونت اختیار کردند. اشپولر می نویسد: «مرکز اصلی تبلیغات شیعیان ابتدا در کوفه بود و از آنجا به عناصر عربی موجود در قم سرایت نمود و بزودی ایرانیان اطراف قم نیز به آن عربها پیوستند.» [۳۰] .

ورود اشعریان به قم و انتشار تشیع در این منطقه

پس از کشته شدن «سائب بن مالک اشعری» یکی از شیعیان کوفه و از یاران مختار به دست مصعب بن زبیر فرزندش «محمد بن سائب» که در شجاعت و سوارکاری و مردانگی همتایی نداشت از طرف حجاج همراه یک ایرانی مأمور آرام کردن منطقه قزوین شد، ولی هنگام بازگشت حجاج به وی خیانت کرد و او را گردن زد. برادران و اقوام وی از کوفه به ایران رفتند و در قم ساکن شدند. علت انتخاب این منطقه بدان جهت بود که جد آنان «مالک بن عامر» از طرف ابوموسی اشعری مأمور ناحیه جبل و اطراف ساوه شد. چون مالک به کوفه بازگشت، احوال مردم منطقه را برای فرزندان خود بازگفت و بدین جهت نوادگان وی در قم ساکن شدند. [۳۱] .پس از مهاجرت آل سائب، بنی مالک از کوفه و عموزادگان آنان فرزندان «سعد بن مالک اشعری»: عبدالله بن سعد، احوص بن سعد، عبدالرحمن بن سعد و نعیم بن سعد با اقوام و وابستگان خود مجموعا هفتاد سوار بودند که در نظر داشتند به اصفهان بروند ولی در قم سکونت اختیار کردند و در

آن شهر عزت و شوکت یافتند [۳۲] و دارای مزارع و باغات و املاک و امتعه زیادی شدنـد. [۳۳] .اشعریان در قم مذهب شیعه داشـتند و همیشه وفادار اهل بیت بودند مثلا موسـی بن عبدالله بن سـعد اشعری چون به قم آمد مذهب شیعه اظهار کرد و دیگر اهل قم نیز به پیروی وی مذهب شـیعه اختیار کردند و از مفاخر ایشان، زکریا بن آدم عبدالله بن سعد اشعری است که امام رضا علیه السـلام درباره وی فرمودنـد: حق سـبحانه و تعالی به سـبب وجود زکریا بن آدم بلا از اهل قم بگردانید همچنانکه بلا را از اهل بغداد به واسطه قبر موسی بن جعفر (ع) دور گردانید. [۳۴] .

اشعریان قم و تشیع

اشـعریان از یاران و شـیعیان ائمه بودند و مورد احترام و توجه آنان قرار داشتند و ائمه شیعه برای گروهی از اشعریان مثل زکریا بن آدم و عیسـی بن عبدالله هدایا و تحف می فرسـتادند. [۳۵] .متقابلا اشـعریان ساکن قم از اولین گروه های شیعه[ایران]بودند که خمس مال خود را برای ائمه علیه السلام می فرستادند. [۳۶] تشیع اشعریان و مردم قم نه تنها مورد تایید و تصریح تاریخ قم قرار گرفته است بلکه بسـیاری از کتابهـای جغرافیـایی تـاریخی موجود، تشـیع امـامی مردم این شـهر را گزارش کرده انـد؛ مثلا یاقوت حموی می نویسد: «اولین کسـی که به قم آمد پسر عبدالله بن سعد اشعری بود که بر مذهب امامیه بود او کسی است که تشیع را به این شهر آورده بود و حتی یک سنی نیز در آنجا وجود ندارد.» [۳۷] .با توجه به گزارش یاقوت و دیگر جغرافیدانان [۳۸] از ابتدای ورود اشعریان و مذحجیان [۳۹] به این شهر تا

عصر یاقوت - قرن هفتم هجری - مردم این شهر یکسره شیعه امامی بوده اند.قم طی سالیان متمادی پناهگاه علویان بوده است و علویان همواره از طرف مردم این شهر مورد احترام و ستایش بوده اند. نویسنده تاریخ قم نام بسیاری از علویان حسنی و سادات حسینی و موسوی را که در قم ساکن بوده اند جمع آوری کرده است و عدد سادات قم و کاشان و خورزن را در حدود سال ۳۷۱ هجری سیصد و سی و یک نفر ذکر کرده است. [۴۰] .بزرگداشت علویان توسط مردم قم چنان شکوهمندانه بود که حتی در سالیانی که محدودیتی برای آنان نبود، علویانی که به زیارت حج و عتبات می رفتند مجددا به قم باز می گشتند؛ مثلا «ابوالحسن موسی بن احمد» وقتی در سال ۳۷۱ هجری از زیارت بیت الله بازگشت، مردم قم با تکریم و احترام و شادی و چراغانی از او استقبال کردند و صاحب اسمعیل بن عباد در نامه ای بازگشت وی را تهنیت گفت. [۴۱] .فاطمه، دختر موسی بن جعفر علیهماالسلام که در ساوه مریض شد به خادم خود گفت مرا به قم ببر. خادم وی فاطمه «س» را به قم به خانه موسی بن خزرج بن سعد اشعری آورد. وی در سال ۲۰۱ هجری به قصد دیدار برادر خود از مدینه خارج شده بود که در ساوه مریض شد. [۴۲] .بدین صورت درمی یابیم اشعریان و دیگر مردم قم از علویان و خاندان پیامبر با کمال اشتیاق پذیرایی می کردند و آنان را به آغوش خود راه می دادند و هنگامی که علویان از آزار و ستم امویان به ستوه آمده از عراق و حجاز رهسپار ایران و قم می شدند؛

مثلا سال ۲۵۶ هجری ابو جعفر، موسی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر علیهم السلام از کوفه به قم آمد و سپس از قم به کاشان رفت و سپس اعراب قم با اکرام و اعزام او را به قم بازآوردند [۴۳] و خواهران او «زینب» و «ام محمد» و «میمونه» از کوفه به قم آمدند. [۴۴] .

گسترش تشیع از قم به اطراف این شهر

چنانچه مذکور افتاد، سادات و علویانی که از کوفه و حجاز به قم می آمدند از این شهر به نقاط دیگر مثل کاشان، طبرستان، ری و خراسان نیز مسافرت می کردند؛ برای نمونه «ابوالقاسم احمد بن محمد» از بغداد به قم فرار کرد و از قم نزد حسن بن زید به طبرستان رفت و مجددا به قم بازگشت و یکی از پسرانش به نام «ابوالعباس محمد طاهر» از قم به کاشان رفت و در آن شهر ساکن شد. [۴۵] فرزندش «ابوالقاسم علی بن طاهر» از کاشان به قم آمد و مدتی در ری ساکن شد، سپس به نیشابور رفت. [۴۶] .«عباس بن احمد بن محمد» به طبرستان رفت و در آنجا مقیم شد و «عیسی بن احمد بن محمد» به ری اقامت گزید و یکی از فرزندانش «ابو محمد الحسن حسکا بن عیسی بن احمد بن محمد» از ری به خراسان رفت و مجددا به سال ۳۷۰ به ری بازگشت. [۴۷] بدین صورت مسافرت علویان به شهرهای اطراف قم از جمله، کاشان و ری و طبرستان و نیشابور و گسترش تشیع منجر می شد. علویان بذر تشیع و دوستی خاندان پیامبر (ص) را با خود به این شهرها می بردند و به تبلیغ تشیع می پرداختند و هواداران آنها نیز در این راه

کمک کار آنان بودند.

تشیع در اطراف قم

کاشان از جمله شهرهای نزدیک قم است که علویان از قم به آن آمد و شد می کردند. به همین دلیل یکی از شهرهایی که از قم متاثر شد، کاشان است که مردم آن مذهب شیعه داشتند. به روایت جیهانی: «مذهب مردم کاشان مثل مردم قم شیعه است». [۴۸] .ابوالفدا و حمداله مستوفی به شیعه بودن مردم کاشان تصریح کرده اند. [۴۹] ابوالفدا می افزاید: جماعتی از علما به آن شهر منسوبند. [۵۰] همچنین حموی می نویسد: مردم کاشان همگی شیعه امامیه هستند و اهل این شهر هر روز برای انتظار ظهور مهدی (عج) از بامداد سلاح برداشته بر اسبان سوار می شوند به بیرون شهر می روند و هر گاه خورشید از آسمان بالا آمد با تاسف به خانه ها بازمی گردند. [۵۱] .آبه: از دیگر نواحی نزدیک قم آبه [۵۲] است که به روایت مستوفی: «اهل ساوه سنی شافعی اند ولی تمامی روستاهای آن شیعه اثنی عشری هستند». [۵۳] قزوینی می نویسد: «اهل آبه همگی شیعه هستند» [۵۴] همین نظر را حموی نیز تایید می کند. [۵۵] .تفرش [۵۶] : از دیگر شهرهای نزدیک قم که از این شهر متاثر بود تفرش است که شیعه از قم به آن راه یافت؛ به نوشته حمدالله مستوفی: «مردم آنجا شیعه اثنی عشری هستند». [۵۷] .ماهاباد (مهاباد): «روستایی از کاشان است. آباد، و پرجمعیت و سکنه این روستا همگی شیعه دوازده امامی هستند». [۵۸] .

نتیجه

از آنچه گذشت درمی یابیم:۱- ایرانیان از آغاز ورود اسلام به ایران و در نتیجه سختگیریهای اعراب با موالی و رفتار مساعد امام علی (ع) و اهل بیت با موالی، به اهل بیت رسول خدا گرایش پیدا کردند؛ به گونه ای که پس از

قیام امام حسین (ع)، آثار و نتایجی شایانی برای شیعه در برداشت و ایرانیان بیش از پیش در هواداری از اهل بیت راسختر گردیدند به طوری که دکتر حسن ابراهیم حسن از قول نیکلسن می نویسد:«حادثه کربلا مایه پشیمانی و تاسف امویان شد زیرا این واقعه شیعیان را متحد کرد و برای انتقام حسین (علیه السلام) همصدا شدند و صدای آنها در همه جا و مخصوصا نزد ایرانیان که می خواستند از نفوذ عرب آزاد شوند، انعکاس یافت. [۵۹] .۲- شیعه از طریق عناصر عرب یمانی همدان، اشعر، مذحج و نخع به ایران راه یافت.۳- قم اولین پایگاه و مرکز شیعیان در ایران بوده است. افکار شیعه از این شهر به نقاط دیگر ایران گسترش یافت.۴- برخلاف نظر بعضی از مستشرقان، شیعه شکل ایرانی شده اسلام نیست و یک عقیده کاملا اسلامی است که به وسیله عناصر عرب به ایران راه یافت.

پاورقی

[۱] المسعودی، مروج الذهب، به تحقیق محمد محی الدین عبدالحمید، دارالمعرفه (بیروت) الجزء الثالث، ص ۲۰.

[۲] سبط ابن الجوزی، تذکره الخواص، مؤسسه اهل البیت (بیروت - ۱۴۰۱ هجری) ص ۲۳۵.

[۳] سید امیر علی، تاریخ عرب و اسلام، ترجمه فخر داعی گیلانی، انتشارات گنجینه (تهران - ۱۴۰۱ هجری) ص ۹۴.

[۴] المسعودی، مروج الذهب، الجزء الثالث، ص ۷۲.

[۵] طبری، تاریخ، مکتبه الاسدی (تهران) المجلد السابع، ص ۵۶۷.

[۶] المسعودی، مروج الذهب، الجزء الثالث، ص ۸۳.

[۷] طبری، تاریخ، المجلد السابع، ص ۵۰۹ و ۵۳۴.

[۸] همان، المجلد الثامن، ص ۶۳۲.

[۹] ابوحنیفه دینوری، الاخبار الطوال، ترجمه مهدوی دامغانی، نشرنی (تهران - ۱۳۶۴) ص ۳۴۳. [

[۱۰] طبری، تاریخ، المجلد الثامن، ص ۶۰۳۳.

[۱۱] محمد بن حسن طوسی، اختیار معرفه الرجال، چاپ مشهد ص ۱۰۲

به نقل از رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، سازمان تبلیغات اسلامی (تهران - ۱۳۶۹) ص ۱۷۷.

[۱۲] ابوحنیفه دینوری، اخبار الطوال، ص ۳۴۴.

[۱۳] طبری، تاریخ، المجلد الثامن، ص ۶۳۴.

[۱۴] ر. ك. ابوحنیفه دینوری، اخبار الطوال، ص ۳۴۴، ۳۳۷.

[۱۵] ر. ك. همان، ص ۳۴۳.

[۱۶] ر. ك. بلاذری، فتوح البلدان، مطبع المعارف للطباعه و النشر (بیروت - ۱۴۰۷ هجری) ص ۳۶۶.

[۱۷] عبدالحسین زرین کوب، تاریخ ایران بعد از اسلام، انتشارات امیر کبیر (تهران - ۱۳۶۳) ص ۳۷۹.

[۱۸] ر. کر. نصر بن مزاحم منقری، واقعه صفین در تاریخ، ترجمه کریم زمانی، موسسه خدمات فرهنگی رسا (تهران - ۱۳۶۴) ص ۳۷۹.

[۱۹] ابواسحاق ثقفی کوفی، الغارات، تحقیق عبدالزهراء الحسینی الخطیب، دارالاضواء (بیروت - ۱۴۰۷ هجری) ص ۳۴۰.

[۲۰] همان، ص ۴۶.

[۲۱] سید امیر علی، روح اسلام، ترجمه ایرج رزاقی و حیدرپور، چاپ آستان قدس (مشهد) ص ۲۸۲.

[۲۲] ابوحنیفه دینوری، الاخبار الطوال، ص ۱۹۱.

[۲۳] حافظ ابوالشیخ بن حیان، طبقات المحدثین باصبهان، (بیروت) المجلد الاول، ص ۲۷۷ و ۳۱۱ و ۳۱۲.

[۲۴] ر. ك. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۹۴.

[۲۵] ر. ك، مسعودی، مروج الذهب، الجزء الثالث ص ۱۷۵.

[۲۶] یاقوت حموی، معجم البلدان، دار صادر (بیروت) الجزء الرابع ص ۳۹۸.

[۲۷] ابن الاثیر، الکامل، المجلد الرابع، ص ۶۲.

[۲۸] همان، ص ۲۴۸.

[۲۹] ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، الغارات، النشر دارالاضواء (بیروت - ۱۴۰۷ هجری) ص ۴۲۲.

[۳۰] اشپولر، (تاریخ ایران در نخستین قرون اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران - ۱۳۶۴) جلد ۱، ص ۳۲۲.

[۳۱] حسن بن محمد بن حسن قمی، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن عبدالملک قمی، تصحیح جلال الدین تهرانی، انتشارات توس (تهران - ۱۳۶۱) ص ۲۵۸ -

.۲۶۱

[۳۲] همان، ص ۲۶۰- ۲۶۳ و ص ۲۹۰.

[۳۳] همان، ص ۲۷۹.

[۳۴] همان، ص ۲۷۸.

[۳۵] همان، ص ۲۷۹.

[۳۶] همان، ص ۲۷۹.

[۳۷] یاقوت حموی، معجم البلدان، الجزء رابع، ۳۹۷ ذیل کلمه قم.

[۳۸] ر. ک. ابوالقاسم بن احمد جیهانی، اشکال العالم، ترجمه علی عبدالسلام کاتب، شرکت به نشر، آستان قدس رضوی (مشهد - ۱۳۶۸) ص ۱۴۳ و زکریاء بن محمد القزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه عبدالرحمن شرفکندی، مؤسسه علمی اندیشه جوان (تهران - ۱۳۶۶) ص ۲۱۱ و ابوالفداء، تقویم البلدان، ترجمه، ص ۴۸۷، ۴۷۲.

[۳۹] یعقوبی، البلدان، ترجمه دکتر محمد ابراهیم آیتی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب (تهران -۱۳۵۶) ص ۴۸.

[۴۰] حسن بن محمد بن حسن قمی، تاریخ قم، ص ۲۲۰.

[۴۱] همان، ص ۲۲۰.

[۴۲] همان، ص ۲۱۳.

[۴۳] همان، ص ۲۱۵.

[۴۴] همان، ص ۲۱۶.

[۴۵] همان، ص ۲۱۰.

[۴۶] همان، ص ۲۱۰.

[۴۷] همان، ص ۲۱۰ همچنین نویسنده تاریخ قم از علویانی دیگری که به خراسان رفته و مورد اعزاز و اکرام مردم خراسان قرار گرفته اند، نام برده است؛ ر. ک همان، ص ۲۱۹ و ۲۱۰.

[۴۸] ابوالقاسم بن احمد جیهانی، اشکال العالم، ص ۱۴۳.

[۴۹] حمداله مستوفی، نزهه القلوب، باهتمام گای لسترنج، ناشر دنیای کتاب (تهران - ۱۳۶۲) ص ۶۷.

[۵۰] ابوالفداء، تقویم البلدان ترجمه عبدالمحمد آیتی، بنیاد فرهنگ ایران (تهران - ۱۳۴۹) ص ۴۸۶.

[۵۱] یاقوت حموی، معجم البلـدان، الجزء الرابع، ص ۲۹۶ ذیـل کلمه کاشان عینا با مطالب قزوینی هماهنگ است. ر. ک. آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۱۹۷.

[۵۲] آبه شهری کوچک بین قم و ساوه است و با آوج در راه همدان فرق دارد.

[۵۳] مستوفی، نزهه القلوب، ص ۶۳.

[۵۴] زکریاء قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۶۵.

[۵۵] معجم البلدان،

الجزء الاول، ص ۵۰ ذیل کلمه آبه.

[۵۶] تفرش شهری قدیمی که طبرس نیز به آن گفته می شود نزدیک اراک امروزی.

[۵۷] نزهه القلوب، ص ۶۸.

[۵۸] زکریاء قزوینی، آثار البلاد و اخبار العباد، ص ۲۱۹.

[۵۹] حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام السیاسی و الدینی و الثقافی، مکتبه النهضه المصریه (مصر - ۱۹۶۵) المجلد الاول، ص ۴۰۰.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹